

خوش بینی دور از احتیاط صندوق بین المللی پول*

مترجم: نرانه بهنشی

بر اساس نظر صندوق بین المللی پول، عدم توازن در رشد اقتصادی جهان، در سال جاری و سال آینده، کمتر از سال ۱۹۸۴ خواهد بود. در صورتی که دولتها بتوانند در زمینه سیاست اقتصادی با یکدیگر همکاری نمایند، اوضاع بهتر هم خواهد شد، اما امکان آن مثل همیشه ناچیز است.

امای جیمز سکر وزیر خزانه داری آمریکا، به این موضوع اشاره کرده است که دولت رینگان، بی توجهی سابق را نسبت به همکاری اساسی بین المللی مورد محدودیت قرار داده است. اما برای همکاری، موافقت طرفین لازم است. خواسته کشورهای اروپای غربی و کشورهای در حال توسعه سالها پس بوده است که آمریکا کسری بودجه خود را کاهش داده، و بگذارد طرح سه درصد ارزش دلار با پس ماند آمریکا معتقد است که مشکل اصلی نبود بازرگانی و وجود سیاستهای اقتصادی بیش از حد سختگیرانه در اروپاست. اما حتی اثر اروپا، آمریکا و کشورهای در حال توسعه ضعیف خواهد بود. برای آنکه طرح گردماند خارج شوند، برخی مشارکات اقتصادی جهان در چند سال آینده - حتی اگر سرعت رشد رو به کاهش باشد - باید تعریف داده شود. اقتصاددانان صندوق بین المللی پول معتقدند که سرعت رشد آمریکا از ۶/۸٪ سال گذشته باید تا ۲/۲٪ در سال ۱۹۸۵ و ۳٪ در سال ۱۹۸۶ کاهش یابد. میانگین رشد در ۲۵ کشور دیگر که صندوق آنها را صنعتی می داند سه صدی کم خواهد شد و از ۲۳/۵٪ سال ۱۹۸۴ به حدود ۳٪ در سال برای سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ خواهد رسید. سایر اسان، فاصله بین آمریکا و رنمای ثروتمندش کم خواهد شد. صندوق حدس می زند که بین سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ همه کشورهای نوسان ۳۳٪ در سال رشد خواهند داشت.

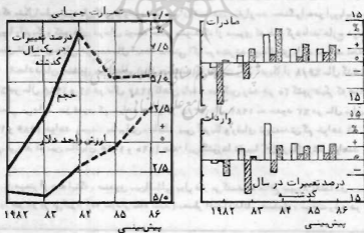
مهمتر از همه است که صندوق بین المللی پول فکر می کند که منابع بهبود اقتصادی، بخش مهمی دسرا را نیز در بر می گیرد (به نمودار نگاه کنید). به نظر اقتصاددانان صندوق، سرعت رشد در کشورهای

* "Incautious optimism from the IMF." *The Economist* (April 20, 1985), 67.

در حال توسعه (به استثنای کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه) تا بیش از ۳٪ در سال جاری و تقریباً ۳۵٪ در سالهای ۱۹۸۷-۱۹۹۰ افزایش خواهد یافت.

بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه بستگی به حجم معاملات دارد. براساس آمار صندوق بین‌المللی پول، حجم معاملات جهانی در سال ۱۹۸۲، ۸۸/۸٪ افزایش یافته است. کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت فقط توانستند صادرات خود را معادل ۲۲/۵٪ افزایش دهند، ولی صادرات کشورهای دیگر ۱۲٪ افزایش داشت که از ۹/۹٪ افزایش کشورهای صنعتی بیشتر است. صندوق بین‌المللی پول انتظار دارد که این افزایش بیش از حد صادرات کم شده و نسبت افزایش تا ۲۷/۶٪ در سال جاری و ۷٪ در سال ۱۹۸۶ کاهش یابد. اکنون شکل ایجاد موازنه در تراز پرداختها برطرف شده، و نیاز به استفاده از منابع داخلی برای رفع کسری موجود در تجارت کمتر شده است. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه در آینده قادر خواهند بود سهم بیشتری از تولیدات خود را در داخل مصرف نمایند.

بحران بدهیهای سال ۱۹۸۲ در کشورهای در حال توسعه جوی را بوجود آورد که موجب افزایش صادرات در این کشورها گردید. کشورهایی که بیشتر بدهکار بودند مجبور شدند نرخ کاهش واردات و مصرف داخلی را تحمل کنند تا بتوانند حداقل به وضعیت مالی سر به سری بازگردند. به کمک رشد دور از انتظار سایر کشورهای جهان، آنها به وضعیتی رسیدند که برای کشورهای که رهايتان کرده بودند، بهت‌آور بود. اگر پیش‌بینیهای صندوق بین‌المللی پول تحقق یابد، کشورهای بدهکار در طی چندسال آینده همچنان شاهد کاهش بار بدهیهای خود خواهند بود.



کاهش تورم ، افزایش تولید

جنبه دیگر بهبود اقتصادی سال گذشته که باعث تعجب گردید این بود که تورم جهانی ، هنگام با تولید افزایش یافت ، میانگین نرخ تورم در کشورهای صنعتی کاهش یافت و از ۲/۹٪ در سال ۱۹۸۳ به ۲/۱٪ در سال ۱۹۸۴ رسید. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که این نرخ در سال جاری تا ۲/۹٪ ، و در سال ۱۹۸۶ تا ۲/۷٪ کاهش یابد.

در هر حال ، نرخ تورم هنوز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه خیلی بالاست. در سال گذشته ، میانگین نرخ تورم در کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی معادل ۱۲٪ بوده که باعث شده است میانگین نرخ تورم کشورهای در حال توسعه - به صورت یک گروه - در این سال به ۳۸٪ برسد. هنگامی که نرخ تورم در بعضی از کشورها بسیار بالاست - میانگین گروهی ابرار سنجش بهترین است - سعی از کشورها نرخ پایینتر و سعی دیگر ، نرخ بالاتری از آن دارند. در سال ۱۹۸۲ ، میانگین گروهی برای کشورهای در حال توسعه معادل ۱۰٪ افزایش داشت. پیش‌بینی می‌شود که این رقم در سال ۱۹۸۶ کاهش یابد و به ۸٪ برسد.

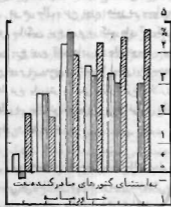
روی هم رفته ، صندوق بین‌المللی پول رشد شوارنتری را در شرایط نرخ تورم نسبتاً پایین پیش‌بینی می‌کند. اما آنجا که طرفدار هماهنگی بیشتر در رسته سیاست بین‌المللی هستند ، می‌گویند که این موضوع بحث‌هایی متفاوتی با آن یک ندارد. همکاری ممکن است جلوی بعضی از خطرهایی را بگیرد که در پیش‌بینی صندوق با خوشبینی زیاده از حد با آنها برخورد شده است ، و حتی ممکن است پیشرفت سریعتری را نیز دست‌یافتنی کند.

کلید تحقق هردوی این ایده‌ها در آن است که آمریکا در کاهش کسر بودجه خود موفق باشد و در مسائل مالی نیز سختگیرتر باشد ، که تصمیم‌گیری در این مورد باید در جای دیگر انجام شود. به نظر نمی‌رسد که آقای بیکر با این موضوع موافق باشد. در هر حال ، این مطلب برای اروپاییان تازگی ندارد.

صندوق بین‌المللی پول برای اینکه نتواند در مورد سالیهای بعد از ۱۹۸۶ نیز پیش‌بینی‌هایی بکند ، فرض کرده است که دولت ریگان بتواند موافقت کنگره را برای کاهش سعی از کسر بودجه خود - در حدی که آن را به ۲٪ برساند - به دست آورد. فرض کنیم که دولت ریگان در این راه شکست بخورد ، و ضمناً نظم بودجه سایر کشورهای صنعتی مختل شود. در چنین حالتی پیش‌بینی می‌شود که نرخ بهره - نه تنها در آمریکا - افزایش یابد. ارزش دلار به جای آنکه ملقب فرض دولتمردان ، در دوره ۱۹۸۷-۱۹۹۰ کاهش ملامی معادل ۵٪ در سال داشته باشد که اثر آن با حجم معاملات عینی خواهد شد ، شدت افت کند. و همچنین ، رشد تولید کشورهای صنعتی تا پایان دهه ، به جای ۳۳٪ به ۲۲٪ در سال برسد.

حال ببینیم که این پیش‌بینی در شرایط "سیاست‌های بهتر" به چه صورت خواهد بود. کاهش شدید همه کاهش در هزینه‌ها را که برای کاهش کسر بودجه از کنگره خواسته است ، به دست آورد و اروپا نیز ،

تواند برای مشکلات ساختاری خود (بازار کار) چاره جویی کند. در این حالت، ممکن است رشد میان مدت تولید معادل ۳/۵٪ در سال افزایش یابد و خطر سقوط دلار نیز کمتر شود. به علاوه، صندوق بین المللی پول معتقد است که سیاست بالا بردن سطح قیمتها در اروپا - یعنی منظور آمریکا از هماهنگی بین المللی - فقط "ظاهر" خواند است... استراتژی اصلی تقاضا - مدیریت که بعوضه اکثر کشورهای خارج از آمریکا دنبال می شود، بسیار مناسب است." شاید همکاری بین المللی چندان هم نظر خوبی نباشد.



۱ - به استثنای کشورهای مادر گندم و حبوبات
۲ - میانگین
۳ - کشورهای توسعه یافته
۴ - کشورهای در حال توسعه
۵ - میانگین
۶ - کشورهای توسعه یافته
۷ - کشورهای در حال توسعه
۸ - میانگین
۹ - کشورهای توسعه یافته
۱۰ - کشورهای در حال توسعه
۱۱ - میانگین
۱۲ - کشورهای توسعه یافته
۱۳ - کشورهای در حال توسعه

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سال ۱۳۶۷ تأسیس شد و در سال ۱۳۶۸ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. این مرکز با هدف ارتقای سطح علمی و پژوهشی در زمینه های مختلف علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأسیس گردید. در سال ۱۳۶۹، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۰، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۱، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۲، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۳، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۴، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۵، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۶، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۷، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۸، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۷۹، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۰، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۱، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۲، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۳، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۴، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۵، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۶، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۷، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۸، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۸۹، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۰، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۱، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۲، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۳، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۴، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۵، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۶، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۷، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۸، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۳۹۹، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد. در سال ۱۴۰۰، با تغییر نام به روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دامنه فعالیت های خود را گسترده تر کرد.